

در میزگرد «بررسی کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای» مطرح شد:

# تلفیق سواد رسانه‌ای با برنامه درسی

تنظیم از: هوشنگ غلامی

## اشاره

آموزش رسانه‌ای و به دنبال آن سواد رسانه‌ای، با شیوع همه‌گیری جهانی کرونا به سرعت گسترش یافت و آموزش و پرورش شکل و محتوای مجازی به خود گرفت. مدرسه‌هایی که پیش از این، ورود تلفن همراه را توسط دانش‌آموزان ممنوع کرده بودند، مدرسه را به درون تلفن همراه بردند. کرونا آموزش و پرورش ایران را که روی خوشی به آموزش مجازی نشان نمی‌داد و آن را حاشیه‌ای تلقی می‌کرد، چندین گام در عرصه آموزش به جلو پرتاب کرد.

در چنین شرایطی اهمیت و ضرورت درس و کتاب «تفکر و سواد رسانه‌ای» که پیش از این با یک نگاه آینده‌نگرانه و تحولی در زمره درس‌های اختیاری دوره متوسطه قرار گرفته بود، دوچندان شد. اما اختیاری بودن این درس، نبود معلمان مجرب و آموزش دیده و نیز استقبال نکردن مدیران مدرسه‌ها از این درس از یک سو، و پس‌افتادگی محتوای کتاب نسبت به تحولات و آرایش جدید رسانه‌ای از سوی دیگر، آموزش این کتاب را در چنبره‌ای از مسائل و مشکلات عیدیه گرفتار کرد. چنین مسائل و مشکلاتی زمینه‌ساز برپایی میزگردی از سوی مجله «رشد آموزش علوم اجتماعی» با حضور مؤلفان و کارشناسان این حوزه شد. در این نشست، علاوه بر دکتر فریبرز بیات، سردبیر فصلنامه «رشد آموزش علوم اجتماعی»، دکتر بهاره نصیری، دکتر مریم سلیمی و حسین حق‌پناه، اعضای شورای تألیف این کتاب، دکتر سجاد مهدی‌زاده، سرپرست حوزه آداب و مهارت‌های زندگی و بنیان خانواده و مسئول کتاب‌های «تفکر و سبک زندگی و مدیریت خانواده و سبک زندگی»، و آرزیتا بیدقی، مدرس کشوری کتاب‌های جامعه‌شناسی به بحث و بررسی کتاب و ارائه نظرات و دیدگاه‌های خود پرداختند. گزارش این جلسه را با هم پی می‌گیریم.

اکنون خیلی بیشتر درک می‌شود. فضای آموزشی قبل و بعد از کرونا به کلی متفاوت است. به همین دلیل نیز، اگرچه مدرسه‌ها باز شده‌اند، اما هنوز آموزش مجازی و رسانه‌ای به پایان نرسیده و همه چیز به دوران قبل از کرونا برنگشته است. زیرا تغییر و تحولاتی در نگرش و رفتار دانش‌آموزان، خانواده‌ها و معلمان و همچنین نوع آموزش رخ داده است، ما را به سمت نوعی آموزش مجازی و معکوس هدایت می‌کند. حتی می‌توان گفت: «ما با نوعی تغییر «الگوواره» (پارادایم) در آموزش مواجه هستیم.» چنین فضایی جایگاه و اهمیت بحث رسانه‌ها و سواد رسانه‌ای را خیلی بیشتر می‌کند. بیش از پنج سال از تألیف کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای گذشته و اکنون به چاپ هفتم رسیده است، اما هنوز در تدریس این کتاب در مدرسه‌ها با مسائل و مشکلاتی روبه‌رو هستیم. از یک طرف تغییر و تحولاتی در فضای آموزشی جامعه و نیازها، نگرش‌های فراگیرندگان و دانش‌آموزان رخ داده است که این کتاب باید بتواند این فضا را در خود منعکس کند. از طرف دیگر، نحوه مواجهه مدیران و معلمان مدرسه‌ها با این کتاب انتظارات را برآورده نکرده و به مسائل و مشکلاتی دامن زده است. چنین موضوع‌هایی ضرورت تشکیل این جلسه و میزگرد را ایجاب می‌کنند. بهتر است بحث را دکتر مهدی‌زاده که مسئولیت این کار را در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی بر عهده دارند، شروع کنند. ایشان تصویری به ما بدهند از اینکه کتاب در چه وضعی قرار دارد، در این مدت چه تغییراتی کرده است و

که همراه داشتن تلفن همراه در آن ممنوع بود، رسیدیم به مدرسه در تلفن همراه؛ به نحوی که اگر دانش‌آموزی تلفن همراه نداشت، نمی‌توانست در مدرسه مجازی حضور پیدا کند و درس بخواند. این یک تحول بسیار بزرگ است. به قولی مانند آن است که آموزش و پرورش چندین گام به جلو پرتاب شده است. اهمیت و ضرورت کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای

بیات: «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری» یک گام بلند را با رفتن به سمت تألیف کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای برداشت. هرچه جلوتر آمدیم ضرورت این کار و اهمیت بحث رسانه‌ها، سواد رسانه‌ای و آموزش مجازی، به‌ویژه در دوران دوساله کرونا، بیشتر درک و دریافت شد. در واقع ما از دوران مدرسه بدون تلفن همراه و مدرسه‌ای

## سواد رسانه‌ای را باید به شایستگی‌های اصلی مشترک تبدیل کنیم

تغییرات هم امسال داشته است که بد نبودند؛ هر چند در حد تغییرات و اصلاحات روبنایی بودند. گفتنی است که در سند تحول و برنامه‌ی درسی ملی هیچ سخنی از سواد رسانه‌ای نیست. فقط عبارت «آداب زندگی در محیط مجازی» را داریم. ما همین را گسترده کردیم و آن را به یک چهارم و یک پنجم سند خودمان در «حوزه‌ی آداب و مهارت‌های زندگی» تبدیل کردیم. احساس کردیم یک بخش از زندگی امروز ما این است. مسئله‌ی دیگر این است که کرونا ما را به وسط فضای مجازی هل داد. قبل از آن کسی قبول نمی‌کرد که سواد رسانه‌ای موضوع مهمی است. هنوز هم برخی از مدیران و مسئولان قبول نکرده‌اند، ولی به هر حال این شرایط سبب شد که پذیرش آن بیشتر باشد.

در این زمینه ما کارگروهی راه‌اندازی کرده‌ایم که در همین تابستان کار خود را شروع می‌کند تا سواد رسانه‌ای در دوره‌ی ابتدایی را دنبال کنیم. در اروپا ۷۰ درصد مدرسه‌ها سواد رسانه‌ای را در دوره‌ی ابتدایی به صورت تلفیقی می‌خوانند. ما به جد در پی طرح و راه‌اندازی این موضوع هستیم و به دنبال افراد متخصصی می‌گردیم که این موضوع را در فضای دبستان مطرح کنند. با یک تیم کار را جلو می‌بریم و شتابزده هم کار نمی‌کنیم. موضوع دیگری که شخصاً پیگیر آن بودم این است که کتاب‌های درسی دیگر را نیز به طرح و بسط موضوع سواد رسانه‌ای ترغیب کنیم. در این راستا کتاب‌هایی را که زیرمجموعه‌ی خودمان بود تکمیل کردیم؛ از جمله کتاب تفکر و سبک زندگی پایه‌ی هشتم.

در کتاب تفکر و سبک زندگی ما درسی داشتیم با عنوان «رسانه در زندگی امروز» که مفهوم آن قدری سطحی بود. ما برای درس سواد رسانه‌ای

از اعضای شورای تألیف و مدرس کتاب، مسیر را پیگیری کردیم تا با جمع‌آوری نظرات معلمان، کارشناسان و افرادی که تجربه‌هایی داشتند و صاحب‌نظر بودند، اصلاحات اولیه در کتاب انجام شد؛ هر چند برخی اصلاحات به دلیل محدودیت حجم کتاب امکان‌پذیر نبود. یکی از مشکلات کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای این است که معلمان می‌خواستند همه‌ی مسائل سواد رسانه‌ای را در یک کتاب حل کنند؛ چرا که در دوره‌ی ابتدایی و نیز پایه‌های هفتم و هشتم متوسطه چنین کتابی نداریم. معلمان اصرار داشتند که مفاهیم دانشگاهی تری (آکادمیک تری) مطرح شوند.

چند اقدام انجام شد که شاید مهم‌ترین آن‌ها تغییر درس‌های اختیاری و اصلی بود. کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای کتاب مفصلی است و جزو درس‌های اختیاری تعریف شده است. ما این‌ها را جابه‌جا کردیم و به‌طور مثال درس بازی را به خاطر گستردگی آن برای نوجوانان و جوانان، جزو درس‌های اصلی قرار دادیم. تغییراتی در این درس از نظر مثال‌ها، عکس‌ها و ویرایش انجام دادیم که برخی از آن‌ها نیز مورد قبول قرار نگرفتند. چالش مهمی که در این کتاب‌ها داریم بحث تصویرنگاری و جنبه‌های هنری است. کتابی که اکنون در وبگاه (سایت) بارگذاری شده، حاصل تلاش دوستانی چون آقای حق‌پناه و همکاران و معلمانی است که به ما کمک کردند تا ایده‌ها را جمع کنیم و نکات مورد نظر اعمال شوند. اما اکنون به چند دلیل این کتابی نیست که رضایت‌بخش باشد. یک دلیلش این است که رشد فضای رسانه‌ای و فرهنگی جامعه آن قدر شتابان است که این کتاب پاسخ‌گوی آن نیست و با یک ویرایش مشکل آن حل نمی‌شود. این کتاب یک سلسله تغییرات در سال ۱۳۹۹ و یک سلسله

آینده‌ی این درس و کتاب را چگونه ترسیم می‌کنند. **مهدی زاده:** مسئله‌ی جدی برای ما تربیت است و سواد رسانه‌ای که درباره‌ی آن صحبت می‌کنیم، امری صرفاً رسانه‌ای نیست، بلکه امری تربیتی است. چون رسانه در تمام ابعاد زندگی ما حضور دارد. لذا حتی در ساحت تربیت‌بدنی نیز مسئله‌ی رسانه را داریم و باید به آن پردازیم. در سال ۱۳۹۲ متولیان به فکر افتادند حوزه‌ی تفکر را پررنگ کنند و متعاقب آن کتاب‌هایی تولید و منتشر شدند. نقطه‌ی آغاز حوزه‌ی تفکر را کتاب گذاشتند و گفتند بعداً به مسئله‌ی معلم و موضوع‌های دیگر می‌پردازیم.

کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای در سال ۱۳۹۵ منتشر شد. آن موقع خانم دکتر دانش‌سور مسئولیت این حوزه و تألیف کتاب را بر عهده داشتند. ایشان در سال ۱۳۹۸ بازنشسته شدند. وقتی من به دفتر آمدم، خانم دانش‌سور رفته بودند. زیرمجموعه‌ی دفتر ما نیز، هم سواد رسانه‌ای بود، هم سبک زندگی و هم آمادگی دفاعی و همچنین کتاب خانواده. سال ۱۳۹۸ که وارد دفتر شدم، تغییراتی را در کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای اعمال کرده بودند که فقط در حد نظارت بود. در سال ۱۳۹۹ اصلاحات را انجام ندادیم و علتش هم این بود که سازمان اصرار داشت که به جای کتاب، تمرکز روی سند باشد. در این سال‌ها سه بار رئیس سازمان پژوهش و پنج بار معاونت مربوطه عوض شد و به‌طور کلی نبود ثبات در مدیریت را داشتیم.

همان‌طور که کتاب‌های دیگر را پیش می‌بردیم، در فکر کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای هم بودیم. نویسنده‌ی کتاب من نبودم و نویسندگان کتاب نیز با یکدیگر هم‌رأی نبودند. با کسانی که در این حوزه صاحب‌نظر بودند و دستی در کار سواد رسانه‌ای و نقد داشتند، صحبت کردیم و گفت‌وگوهایی انجام شدند. نخستین کاری که می‌خواستیم در این زمینه انجام دهیم، این بود که نظر منتقدان و کارشناسان را بشنویم و به سراغ معلمان برویم. البته چالش جدیدی که اکنون خود را در جامعه نشان می‌دهد این است که «معاونت پژوهش» و «معاونت آموزش» از یکدیگر جدا هستند و دبیرخانه‌ی سواد رسانه‌ای نیز ذیل «معاونت آموزش متوسطه» فعالیت می‌کند. در نهایت به آقای **کیمیایی**، مسئول دبیرخانه‌ی راهبری علوم اجتماعی و سواد رسانه‌ای رسیدیم و با همکاری ایشان و آقای **حق‌پناه**،



عکاس: غلامرضا بهرامی



## کرونا آموزش و پرورش را چندین گام به جلو پرتاب کرد

چهار نسخه تولید کردیم: یک متن از خانم سلیمی، یک متن از آقای فلسفی و یک متن هم از آقای اصغری گرفتیم و در نهایت هم من یک متن از مجموعه آن‌ها استخراج کردم و به این ترتیب درسی به نام آداب و مهارت‌های زندگی رسانه‌ای به آن کتاب اضافه کردیم. این کار در پایه هشتم انجام شد و سعی کردیم آموزش را دو سال به جلو بکشیم. قبلاً از پایه دهم شروع می‌شد. اما چون این یک درس کفایت نمی‌کرد، به خشونت که رسیدیم از «خشونت رایانه‌ای» (سایبری) صحبت کردیم. به بحث مصرف اقتصادی که رسیدیم درباره «مصرف رقمی (دیجیتال)» بحث کردیم. به بحث حجاب و عفاف هم که رسیدیم از «سبک حجاب» گفتیم. یعنی کوشیدیم در حدی که می‌فهمیم و هر جا می‌شد، نقش رسانه را پررنگ کنیم. به موضوع «آداب اجتماعی در حوزه مجازی» هم پرداختیم و سعی کردیم مسئله رسانه را به‌طور آزمایشی در متن کتاب درسی بیابوریم. امسال هم قصد داریم ۸ تا ۱۰ ساعت یک دوره سواد رسانه‌ای برای معلمان کتاب تفکر و سبک زندگی بگذاریم. یعنی من معلم سواد رسانه‌ای درس نمی‌دهم، ولی عملکرد، رفتار و متنی که آموزش می‌دهم، باید رویکرد رسانه داشته باشد. زورمان نرسیده است که کتاب‌های درسی را به‌صورت تلفیقی داشته باشیم. اگر سواد رسانه‌ای از صورت یک درس به یک شایستگی مشترک تبدیل شود، همه کتاب‌های درسی ملزم هستند که نسبت خود را با این شایستگی مشترک مشخص کنند. هر چند در چند سال اخیر برخی مدیران به موضوع سواد رسانه‌ای روی خوش نشان داده‌اند، ولی برخی از مدیران هنوز روی خوش نشان نمی‌دهند. چون مباحث درس سواد رسانه‌ای در آزمون سراسری و امتحان نهایی نمی‌آید و مدرسه‌ها هم می‌خواهند بچه‌ها بیشتر ریاضی کار کنند.

ما هر قدر که بتوانیم این درس را قوی می‌کنیم، اما باید امیدمان به مسئله تلفیق و اشراف در دیگر کتاب‌های درسی باشد. تا آن زمان که این اتفاق بیفتد، با توجه به مطالعاتی که انجام شده‌اند، نمی‌توانیم الگوی کتاب مستقل را کنار بگذاریم؛ چون اگر این ساقه نباشد، شاخه و برگ‌های دیگری که می‌خواهند به کتاب بروند می‌خشکند.

بحران جدی ما در این درس مسئله معلم است. بحث آموزش معلم دوشاخه می‌شود: که یک شاخه آن «دانشگاه فرهنگیان» است. دانشگاه فرهنگیان زیر بار اینکه برای یک درس دوساعته معلم تربیت کند نمی‌رود. معلمان دیگر هم ممکن است آموزش‌ها و برنامه‌هایی را گذرانده باشند که ما اصلاً خبر نداریم. دبیرخانه‌ها هم هیچ الزامی نمی‌بینند که در این زمینه اطلاع بدهند که ما چقدر معلم سواد رسانه‌ای داریم و این معلم چقدر رشته تخصصی‌اش با رسانه مرتبط است. مثلاً ما می‌خواهیم در شهریورماه برای معلمان دوره بگذاریم، ولی واقعاً نمی‌دانیم چه نیازهایی دارند. اگر بخواهیم به اصلاح جدی کتاب‌ها از همین امروز بپردازیم، حداقل به دو سال وقت نیاز داریم تا یک تألیف موازی در بیاید. **بیات:** با تشکر از آقای مهدی‌زاده. مطمئناً در ادامه بحث‌هایی خواهد شد، از جمله اینکه آیا دفتر تألیف در مورد تألیف و پشتیبانی از کتاب وظیفه‌ای دارد یا نه. با توجه به اینکه فرمودید آقای حق‌پناه در تعریف کتاب و تجدید سازمان آن نقش مؤثری داشته‌اند، از ایشان می‌خواهیم در مورد نقش خودشان در تدوین محتوای کتاب توضیح بدهند. همچنین میزان اثرگذاری تجربه دوساله تدریس تلویزیونی کتاب را بازگو کنند که آیا این شکل آموزش رسانه‌ای مؤثر است یا نه؟

**حق‌پناه:** اما کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای در دوره‌ای تألیف شد که خبری از این شرایط نبود و ضرورت موضوع به این شکل درک نمی‌شد. اگرچه ما نسبت به دنیا در شروع عمومی این کار فاصله داریم، اما به نظر می‌رسد در توسعه آن سرعت کشور ما خیلی خوب است. به نظرم ما بار بیش از اندازه‌ای روی دوش کتاب درسی قرار می‌دهیم، در حالی که مسئولیت و وظیفه اصلی را در نظام آموزشی معلم بر عهده دارد. تجربه خود ما طی این سال‌ها نشان داده است که به شکل به‌گزینی می‌توانیم از کتاب استفاده کنیم و اتفاقاً چون مطالب این کتاب در کنکور نمی‌آید،

پس خیلی نظارت و وسواس جدی در مورد تدریس و شیوه آزمون گرفتن آن وجود ندارد. این موضوع دست معلم خلاق را باز می‌گذارد تا بتواند کارهای زیادی در تدریس کتاب و ارزشیابی انجام دهد. تجربیات خود ما نیز این موضوع را طی این سال‌ها اثبات کرده است. گاه سال‌هایی بوده است که ما از این کتاب به شیوه عملی آزمون گرفته‌ایم و گاه بخش عمده آزمون را تماشای یک فیلم، تهیه یک مستند و چیزهایی از این دست قرار داده‌ایم.

به تدریس تلویزیونی اشاره کردید که آنجا هم اهمیت و نقش معلم تلویزیونی دوچندان خود را نشان می‌دهد. به طرز عجیبی آن تدریس‌های تلویزیونی مورد استقبال معلمان قرار گرفت تا جایی که عین جمله‌ها و مثال‌های تدریس تلویزیونی را استفاده می‌کردند. این نشان می‌دهد که تشنگی و عطش از سوی معلم برای دریافت الگوی تدریس کتاب درسی وجود دارد. من فکر می‌کنم شاید مهم‌ترین کاری که می‌شود کرد، گره‌زدن این جزیره‌های دور از هم، یعنی دفتر تألیف با دانشگاه فرهنگیان و سایر معاونت‌های وزارت آموزش و پرورش به یکدیگر است. اگر همه آن‌ها متعهدانه بایستند، معلم هم می‌تواند نقش خود را به خوبی ایفا کند. فکر می‌کنم راه‌حل همان است که بسیاری از کشورهای دنیا به سراغ آن رفتند و آن هم تلفیق مفهوم آموزش سواد رسانه‌ای در برنامه درسی است، نه لزوماً یک کتاب درسی مجزا که این می‌تواند بسیار مناسب باشد، اما کافی نیست. مفاهیم آموزشی سواد رسانه‌ای می‌تواند و باید در ادبیات، تاریخ مطالعات اجتماعی، زبان خارجی و همه این درس‌ها توسعه پیدا کند. در این زمینه پیشنهادهای داشتیم که در قالب هشت مقاله در «رشد معلم» بررسی کردیم که هر مفهوم سواد رسانه‌ای می‌تواند در چه کلاس‌ها و چه «بسته‌های یادگیری» مجزایی توسعه پیدا کند. همچنین دریافتیم بهتر است آموزش سواد رسانه‌ای از دوره دوم متوسطه به سنین پایین‌تر برود؛ یعنی جایی که بسیاری از دانش‌آموزان رسانه‌ای بچه‌ها یا تفکر نقاد آن‌ها در این سن باید شکل بگیرد.

**سلیمی:** کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای یک کتاب تمرین محور و مسئله محور مبتنی بر تفکر انتقادی است که فرصت و امکانی برای بحث و تبادل نظر در حوزه‌های رسانه‌ای به دانش‌آموزان





## رسانه به یک عامل ساختاری تبدیل شده است

و پژوهش» و «هویت اجتماعی» نیز برگزار خواهیم کرد. این‌ها که کتاب‌های تحولی هستند، متأسفانه به کتاب‌های درجه دو در مدرسه‌ها تبدیل شده‌اند. باید بکوشیم این کتاب‌ها را از حالت مغفول بودن خارج کنیم.

**نصیری:** دوستان از بعد اجرایی و علمی نکات اصلی را مطرح کردند. بعد اجرایی کتاب در حیطه مسئولیت ما نیست. برای پرسش‌هایی مثل: اینکه چرا اراده‌ای وجود ندارد که مدیران نگاه خود را نسبت به این درس مقداری عمیق‌تر و جدیدتر کنند؟ یا چرا دوره‌های ضمن خدمت برای تربیت مربی در این حوزه برگزار نمی‌شوند؟ پاسخی نداریم. در حالی که می‌بینیم آموزشگاه‌های خصوصی و مؤسسه‌هایی چون تیان، سراج، مدرسه هنر، آینه و مدرسه میزان در این زمینه خیلی از وزارت آموزش و پرورش فعال‌تر هستند. هر چند مجمع‌الجزایری از آموزش سواد رسانه‌ای اتفاق افتاده است، ولی آن‌ها را فعال‌تر می‌بینیم. متأسفانه سواد رسانه‌ای در کشور ما متولی ندارد. مرکز نظارت و ارزشیابی هم وجود ندارد و هیچ استاندارد آموزش سواد رسانه‌ای در کشور نداریم. در آموزش و پرورش هم استاندارد خاصی بر کتابی که ما نوشته‌ایم، حاکم نبوده است. به نظر من، تألیف این کتاب اتفاق مبارکی است. من هنوز آن را دوست دارم و نقد هم که می‌گویند، نه به معنای بار ارزشی منفی آن، بلکه با نگاهی سازنده صورت می‌گیرد. برای این کتاب ارزش قائل هستم، چون فکر می‌کنم این اولین اتفاقی بود که در حوزه سواد رسانه در کشور ما رقم خورد. من خودم این کتاب را دوست دارم و با برخوردهای نامهربانه و منفی با آن همراه نیستم. روزهای سخت و دشواری را ما تحمل کردیم و چقدر سختی کشیدیم تا این کتاب آماده و توزیع شد. دیکته نانوشتی غلط ندارد. بالاخره باید کتابی تألیف می‌شد تا مورد نقد قرار گیرد. یادم هست

داشتیم. کارگاه‌ها هم به‌گونه‌ای فعال نبودند که بخواهند نقطه‌به‌نقطه کتاب را سامان‌دهی کنند. سال قبل، گروه جامعه‌شناسی و سواد رسانه‌ای هر کدام یک دبیرخانه مخصوص خود تأسیس کردند و آقای کیمیایی مسئول دبیرخانه سواد رسانه‌ای شد. در «شبکه شاد» نیز ما یک گروه سواد رسانه‌ای داریم. آقای کیمیایی در برنامه خود برگزاری کارگاهی را برای درس تفکر و سواد رسانه‌ای ترتیب داد. کتاب را به چند قسمت تقسیم کردند و مدرسانی را نیز دعوت کردند. حتی برای شرکت‌کنندگان هم گواهی صادر شد. کارگاه دیگری با عنوان «سواد رسانه؛ دیروز، امروز، فردا» برگزار شد که استان چهارمحال و بختیاری مجری و بیناری آن بود. همچنین بحث «تحلیل محتوا» توسط دکتر قدیری انجام شد. همکاران جامعه‌شناس و اقتصاد که علوم اجتماعی تدریس می‌کنند، گلگه دارند که این درس باید به‌طور اختصاصی به آن‌ها داده شود. یعنی مدیران مدرسه‌ها موظف شوند که درس سواد رسانه را نیز به دبیران جامعه‌شناسی بدهند. مسئله مهم و دغدغه دبیران جامعه‌شناسی این است که زنگ درسی سواد رسانه هم می‌تواند جزو ساعت‌های موظفی‌شان باشد. ما باید بررسی کنیم که آیا مدیر به درس تفکر و سواد رسانه‌ای به‌عنوان یک فرصت نگاه می‌کند یا محدودیت. برای درس جامعه‌شناسی هم -حالا غیر از سالی که پیش رو داریم- در سال‌های گذشته کتاب دوازدهم جامعه‌شناسی نهایی بود و در کتاب‌های دهم و یازدهم جامعه‌شناسی هنوز نهایی نشده است. ما تلاش کردیم که مدیر مدرسه تدریس جامعه‌شناسی‌های پایه‌های دهم و یازدهم را به متخصصان این درس بدهد، ولی این تلاش برای تفکر و سواد رسانه‌ای انجام نمی‌شود.

فرض کنیم که کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای کشوری شود، چه کار می‌کنند؟ در بهترین حالت به شما می‌گویند کتاب را در تابستان ظرف دو هفته جمع کنید و نکات مهم را به دانش‌آموزان آموزش دهید. یا به معلم‌ها می‌گویند دی‌ماه بیایید تا یک سلسله نکات را به شما بگوییم یا زمانی که امتحانات نهایی برگزار می‌شود، می‌گویند درس تفکر و سواد رسانه‌ای را در حد یک یا دو هفته جمع کنید تا پچه‌ها فقط بتوانند یک نمره ۱۰ یا ۱۲ بگیرند و از این درس نیفتند. **بیات:** ما چنین میزگردی را برای سه کتاب دیگر، یعنی «تفکر و سبک زندگی»، «تفکر

و معلمان می‌دهد. به نظرم باید این کتاب در قالب یک بسته آموزشی ویژه دوره‌های اول و دوم متوسطه آماده شود. طی سال‌های متفاوت نیز فرصت آشنایی با انواع سواد‌های مرتبط با آن فراهم شود؛ سواد‌هایی همچون سواد خبری، سواد بصری و سواد دیجیتال. باید ترتیبی اتخاذ شود که آموزش مفاهیم آشنایی با سواد رسانه‌ای از پیش از دبستان و در حد اشاراتی از مهد آغاز شود. در کل این روند، آموزش سواد رسانه‌ای از مفاهیم پایه‌ای آغاز شود و تا حد تولید محتوای رسانه‌ای بر پایه تفکر خلاق و تبیین نقش افراد در جامعه به‌عنوان شهروندی مطلع و آگاه ارتقا یابد. من معتقدم ارائه درس سواد رسانه‌ای اتفاق بزرگی در نظام آموزش و پرورش ایران بود که باید این مهم بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد و توسعه یابد. آن زمان پیشرفت این موضوع همچون راه‌رفتن کودک نوپا بود و اکنون با تحولات نوبه‌نو امروز باید گام‌های بزرگ‌تری برداشت. یکی از نکته‌های مهم در خصوص سواد رسانه‌ای، حفظ نگاه علمی آن و رعایت اعتدال است که امکان دارد کتاب را از رسالت آن دور سازد. چون این کتاب بنیاست بر پایه تفکر انتقادی، نحوه خوانش و تحلیل محتوای رسانه‌ای و نقد آن را آموزش دهد. تغییرات مدیریتی و نگاه‌های سلیقه‌ای باید کمترین تأثیر و رسوب را در آن داشته باشند. نگاه به کتاب باید زنجیره‌وار میان درس‌ها و سطح‌ها باشد و آموزش و پرورش، نظام آموزش عالی و رسانه هر کدام بخشی از آموزش، ترویج و اشاعه را بر عهده داشته باشند. یعنی تمام بار این موضوع نباید بر دوش کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای باشد. ایجاد کارگروه مشورتی و نمایندگانی از سازمان‌های مذکور می‌تواند در ایجاد هماهنگی و حفظ اعتبار محتوایی لازم مؤثر باشد.

**بیدیقی:** علوم اجتماعی و سواد رسانه‌ای سالیان سال با هم یک دبیرخانه داشتند. در استان‌ها نیز سرگروه‌های علوم اجتماعی سواد رسانه‌ای را نیز تحت پوشش داشتند. همین‌طور در شهر تهران نیز این‌گونه بود. من جزو گروه آموزشی شهر تهران بودم و سواد رسانه‌ای نیز تا یک سال قبل از شیوع کرونا با گروه ما بود. بعد سرگروه‌ها ترجیح دادند این دو جدا شوند و سواد رسانه در مسیر خود و گروه جامعه‌شناسی نیز در خط خود باشد. اما سرگروه فعال و دلسوزی برای درس تفکر و سواد رسانه‌ای در کشور و تهران کمتر

## از تولد تا مرگ با رسانه‌ها در ارتباط هستیم

استادان بزرگ ما در رشته ارتباطات، همچون دکتر محسنیان‌راد، دکتر نمک‌دوست و دکتر شکرخواه بی‌رحمانه برخورد کردند؛ به گونه‌ای که دلم به درد آمد و رنج می‌بردم. هنوز هم هستند کسانی که بی‌محابا و بی‌رحمانه نقد می‌کنند؛ هرچند اوضاع کمی آرام‌تر از قبل است. محتوای کتاب از دو جنبه قابل توجه و بررسی است:

یکی از جنبه‌های هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی کتاب است. من اعتقاد دارم بحث ابزارشناسی، مانند انواع رسانه‌ها، کارکردهایشان و مالکیت رسانه‌ها، یا بحث فن (تکنیک)‌شناسی، مانند فنون ارضاء، اقتناع، برجسته‌سازی، ترغیب و دروازه‌بانی خبر، یا بحث مردم‌شناسی، این‌ها اساس سواد رسانه‌ای هستند و ما نمی‌توانیم آن‌ها را جدا کنیم. یعنی هر قدر هم شما کتاب را بازنگری کنید، یک سلسله مبنایی دارید که باید وجود داشته باشند. کما اینکه در کشورهای دیگر دنیا تجربه نشان داده که اصول همیشه ثابت است و آنچه تغییری می‌کند، متناسب با رویکردی است که نظام آموزشی دارد.

جنبه دوم، موضوع به‌روزرسانی کتاب متناسب با عصر اطلاعات و کاربردی‌سازی و عملیاتی کردن مباحث آن است. من خیلی روی کاربردی‌شدن مطالب کتاب تأکید دارم. یعنی تا زمانی که بچه‌ها در زندگی رسانه‌ای خود نتوانند از مطالب این کتاب استفاده کنند، کتاب به هدف خود نرسیده است.

**بیات:** تقاضا می‌کنم دوستان تجربه خود را در تدریس جذاب و مشارکتی سواد رسانه‌ای و نیز معرفی مدرسه‌های موفق در این زمینه تدوین کنند. تاکنون چند نقد درباره کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای نوشته شده‌اند. بد نیست ببینیم این نقدها چقدر واردند. یکی این است که کتاب بیش از آنکه رسانه‌شناسی باشد، رسانه‌هراسی است. البته فضای اجتماعی و سیاسی جامعه ما نیز این گونه است و آقای حق‌پناه به این موضوع اشاره کردند. به گفته آقای مهدی‌زاده، مدیران بیشتر تمایل داشته‌اند که بحث به سمت رسانه‌هراسی و رسانه‌ستیزی برود چون بالاخره این رسانه‌ها دارند تأثیر می‌گذارند، موج‌آفرینی می‌کنند و بحث‌های سیاسی - فرهنگی را مطرح می‌سازند. در مجموع مطرح شده که کتاب بیشتر به سمت رسانه‌هراسی غلتیده است. باید ببینیم این نقد چقدر وارد است.

نکته بعد این است که نویسندگان کتاب‌های حوزه مطالعات اجتماعی و علوم اجتماعی از شخصیت‌های درجه اول روزگار خودشان نیستند. اینکه چرا آدم‌های رسانه‌ای برجسته نیامده‌اند تا نقشی در تألیف کتاب داشته باشند، باید بررسی شود. ما باید آن فضای اجتماعی بیرونی و جامعه علمی را همراه کنیم. چگونه می‌توانیم دکتر محسنیان‌راد، دکتر خانیکی، دکتر شکرخواه، یا دکتر فرقانی و کسان دیگری را که در بحث رسانه صاحب‌نظر هستند، دعوت کنیم تا در تألیف جدید کتاب سواد رسانه‌ای مشارکت کنند؟

**نصیری:** پیشنهاد آقای دکتر بیات جالب و خوب است. ما باید به استادان و صاحب‌نظران رسانه احترام بگذاریم و از بزرگان این عرصه بهره بگیریم. همراه آن‌ها شویم و زیست علمی آن‌ها را به کار ببندیم. یکی از حسن‌های استفاده از دانش و تجربیات استادان این است که وقتی کتاب تولید شود، به هر حال اگر کتاب کاستی‌ها و نقص‌هایی داشت، حداقل از نقدهای غیرعالمانه و غیرمنصفانه کاسته شود. باید بکوشیم همکاری آن‌ها را جلب کنیم. اگر دوستان قبلاً به سراغ آن‌ها رفته‌اند و آن‌ها نپذیرفته‌اند، چون اراده و اصراری برای حضور آن‌ها نبوده است. ولی اگر با جدیت باشد، با حسن نظری که در این استادان سراغ داریم، قطعاً مشارکت و همکاری خواهند کرد.

**بیات:** بسیاری از استادان رسانه نگاه حمایت‌کننده و اصلاح‌گرایانه دارند و مایل هستند که کار جلو برود و از همراهی و همکاری دریغ ندارند.

**نصیری:** کاش آقای فلسفی که به نوعی بانی و پیشنهاددهنده تشکیل این میزگرد بودند، در این جلسه حضور داشتند. چون خودشان در این زمینه صاحب‌نظرند، کتاب دارند و عضو هیئت تحریریه فصلنامه «رشد آموزش علوم اجتماعی» هم هستند.

به نظر من خوب است که استادان کمیته‌ای مشورتی را تشکیل دهند تا از آنان نظر گرفته شود و از نگاه ایدئولوژیک و افراط‌وتفریط‌هایی که مطرح می‌شوند، دور شویم. آن‌ها می‌توانند در این زمینه کمک کنند.

خانم دکتر دانشور دغدغه‌دستی داشتند که می‌گفتند در کنار کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای، این مفهوم را باید از دوره پیش‌دبستانی تعریف و تبیین کنیم و در ادامه به پایه‌ها و دوره‌های بالاتر

تا دانشگاه برویم. دکتر دانشور آن موقع پیشنهاد کرده بودند یک مجموعه کتاب پشتیبان تهیه شود که مثلاً در این راستا، «سواد خبری» را آقای فلسفی تهیه کردند. همین طور، «سواد بصری» یا مثلاً «سواد دیجیتال» داریم که سواد رسانه‌ای می‌توانند مانند چتری همه این‌ها را پوشش بدهد. الان در کتاب سواد رسانه‌ای ما تبلیغ می‌بینیم، در حالی که بچه‌ها سواد تبلیغی ندارند. سواد بصری هم ندارند و شاید از سواد خبری هم بی‌اطلاع باشند.

**بیات:** البته مشکلات و مسائلی که مطرح کردید، حتی بین برخی معلمان و استادان ما نیز وجود دارد. برخی از آن‌ها نمی‌نویسند، خلق نمی‌کنند و در نوشتن مشکل دارند. این مشکل به آن برمی‌گردد که درس‌انشا در کشور ما درس درجه دو و زنگ تفریح است، در حالی که در دیگر کشورها (به‌ویژه اروپا و آمریکا و ژاپن) انشا یکی از مهم‌ترین درس‌هاست.

**حق‌پناه:** باید با بحث رسانه‌هراسی شجاعانه برخورد کرد. آیا رسانه ترس و هراس دارد یا نه؟ من جزو آن گروهی هستم که صریح می‌گویم: «بله، رسانه حتماً هراس و ترس دارد.

مخصوصاً الان که در فضای مجازی با هم حرف می‌زنیم، یک دغدغه جهانی است و فقط به معلمان و اولیا مربوط نیست و همه گروه‌ها و اقشار را در بر می‌گیرد. مسئله مهم نحوه مواجهه با این هراس و ترس است؛ اینکه چگونه با آن برخورد کنیم.

از سوی دیگر توسعه بحث سواد رسانه‌ای در جامعه ما زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی دارد. بحث سواد رسانه‌ای از سال ۱۳۸۸ در کشور ما مهم شد و همه فهمیدند که محدودیت تنها راه‌حل نیست و ما به آموزش نیاز داریم. هنوز هم همه اتفاق‌های اطراف ما نشان می‌دهند که رسانه‌هراسی قدرتمندتر شده است. واکنش درست ما این است که در وهله اول بپذیریم که رسانه آثاری دارد و این آثار می‌تواند مثبت و مفید یا منفی باشد. کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای متأثر از جریان دانشگاهی سواد رسانه‌ای و با نگاه مکتب فرانکفورت و تفکر انتقادی تألیف شده است. بیشترین حجم کتاب و آموزش‌های معلمان کتاب روی فضاهای انتقادی است؛ مثل فنون اقناع و دروازه‌بانی خبر. کمترین مفاهیم هم در زمینه مفاهیم آموزشی و کاربردی است.